



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقديم به ارواح قدسي ائمه معصومين عليهم السلام، به ويژه مولا و
مقتداي زمان، حضرت بقيه الله الاعظم عجل الله تعالى فرجه الشريف؛ شهداي
انقلاب اسلامي و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بيت
وزائران آستان ملكوتي امام علي بن موسي الرضا عليه السلام!



داستان یک مناظره

نگاهی به ایران، چهل سال پس از پیروزی انقلاب

سرشناسه	: یاری، احمد، ۱۳۵۸-
عنوان و نام پدیدآور	: داستان یک مناظره: نگاهی به ایران، چهل سال پس از پیروزی انقلاب / نویسنده و پژوهشگر احمد یاری؛ تصویرگر مهدی مقدادی.
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۴۶ ص: مصور (رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۲۴۵-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا	
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷
موضوع	: Iran -- History -- Islamic Revolution, ۱۹۷۹
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Iran -- History -- Islamic Revolution, ۱۹۷۹ -- Social aspects
شناسه افزوده	: مقدادی، مهدی، ۱۳۶۲-، تصویرگر
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی
رده بندی کنگره	: DSR۱۵۵۳
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۷۸۸۸۸۷



آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات اسلامی

عنوان: داستان یک مناظره

نویسنده و پژوهشگر: احمد یاری

تهیه و تولید: اداره برنامه ریزی آستان قدس رضوی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محدثی

تصویرگر: مهدی مقدادی

طراحی گرافیک: مؤسسه فرهنگی آسمانه

ناشر: زائر رضوی

چاپخانه: مؤسسه فرهنگی قدس

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۵۲۴۵-۶

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

نشانی: مشهد، حرم مطهر رضوی، صحن پیامبر اعظم (ص)

ضلع غربی، باب الهادی (ع)، اداره برنامه ریزی

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱ **تلفن:** ۰۵۱-۳۲۰۰۲۹۴۲

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادات: ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲

حق چاپ محفوظ است.

مقدمه

باورهای ذهنی انسان معمولاً به سختی و در طول زمان شکل می‌گیرند و تغییر آن‌ها نیز مشکل است. اما به طور حتم یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در رویارویی انسان با مشکلات و سختی‌ها، همین باورها و انگاره‌های ذهنی او هستند. در این میان، خودباوری و اعتماد به نفس یکی از عوامل کلیدی پیشرفت جوامع در همه عرصه‌ها به شمار می‌رود.

تحقق انقلاب اسلامی ایران، تجسم عینی باور ایرانیان به قدرت ملی و اعتقاد راسخ به شعار «ما می‌توانیم» است. نتیجه این باور و اعتقاد، پیشرفت‌های عظیم علمی و صنعتی جمهوری اسلامی ایران در این دورهٔ چهل ساله است. از سوی دیگر، این ماجرا، بازنگری و مرور رشد و بالندگی ایران اسلامی در عرصه‌های مختلف، مقوم قدرت و ارادهٔ ملی اسلامی ایرانیان است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران با هدف تضعیف روحیهٔ خودباوری ایرانیان، در جهت سرپوش گذاشتن و ناچیز جلوه دادن پیشرفت‌های ایران اسلامی، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند. آنان با تمام توان رسانه‌ای خود سعی کرده‌اند با سیاه‌نمایی و تزریق روحیهٔ خودکم‌بینی مانع پیشرفت‌های بیشتر نظام جمهوری اسلامی شوند و آن را به شکست بکشانند.

داستان یک مناظره، تلاشی مختصر است در جهت معرفی پیشرفت‌های خیره‌کنندهٔ جمهوری اسلامی ایران در دوران چهل سالهٔ حیاتش و تقویت روحیهٔ خودباوری مردمان این سرزمین.

معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی

حالا دارد ازمان تعریف می‌کند: ولی از یه چیزتون خوشم اومد. یعنی یه چیزی خوشحالم کرد. این که هنوز نتونستن فکر اعتراض رو و مبارزه مدنی رو توی شما از بین ببرن. این خیلی امیدوارکننده ست. خبرش به من خواهد رسید که کدوم آدم فروشا بچه‌ها رو تحریک کردن و این مسخره‌بازی رو راه انداختن؛ ولی نفس اعتراض برای من خوشحال‌کننده ست. کاش برای چیزای دیگه هم همین قدر عرضه اعتراض کردن و توی خیابون اومدن داشتین. اختلاس‌ها، گرونی‌ها، فسادها...

یکی از بچه‌ها بدون این که از سر جایش بلند شود می‌گوید: استاد لطفا قضیه رو سیاسی نکنید. کسی هم ما رو تحریک نکرده، این حق مسلم ماست که وقتی می‌آییم دانشگاه...

استاد با مسخرگی، مشت‌هایش را گره می‌کند و بالا می‌برد: حق مسلم ماست؛ حق مسلم ماست.

همه بچه‌ها می‌خندند. استاد ادامه می‌دهد: با اون حق مسلم ماستتون که داشتین مملکتو می‌دادین به فنا.

استاد، استاد عوض کردن بحث و انداختن فضا توی کانالی است که خودش می‌خواهد. ترفندش جواب می‌دهد. خنده‌ها و همه‌های بچه‌ها بیشتر می‌شود. اظهارنظرهای تک جمله‌ای و چندجمله‌ای از هر طرف بلند می‌شود و صداها با هم قاطی می‌شوند: حالا که سیمان‌ش کردن به هر حال... اون که تموم شد... آره والا؛ داشتیم

دستی دستی مملکتو می بردیم تو آتیش جنگ... کشوری که نفت داره، هسته‌ای می‌خواد چی کار؟...

از وسط خنده‌های و حرف‌های تکراری بچه‌ها پرت می‌شوم به آن روزها. روزهایی که انرژی هسته‌ای حق مسلم ما بود. با خودم فکر می‌کنم چند نفر از همین دانشجویهایی که دارند به این شعار می‌خندند می‌دانند با انرژی هسته‌ای چه کارهایی می‌توانستیم بکنیم؟ چند نفرشان می‌دانند در همین سال‌هایی که بی‌آبی و خشکسالی، تیتراژ عادی رسانه‌هایمان شده، اسرائیل با همین انرژی هسته‌ای دارد میلیون‌ها متر مکعب آب شیرین تولید می‌کند که بشود قطب کشاورزی منطقه؟

جلسه‌های قبل، این جور وقت‌ها با صدای بلند و جدی می‌پرسیدم: «استاد درس رو نمی‌خواید شروع کنید؟» و وادارش می‌کردم که اگرچه با دل خوری، حرف‌های سیاسی‌اش را تمام کند و برود سراغ وظیفه اصلی‌اش؛ ولی این بار تصمیم می‌گیرم با فضا هم‌راهی کنم و پایه‌پایش بروم: استاد عذر می‌خوام. انرژی هسته‌ای که از زمان محمدرضا شاه شروع شده بود. چرا اون موقع هیچ‌کدوم از قدرت‌های دنیا کاری باهامون نداشتن و کم‌کمون هم می‌کردن؛ ولی حالا این همه تلاش کردن که ما همچین تکنولوژی‌ای نداشته باشیم؟ مگه همین رآکتور اتمی تهران رو سال ۳۷ خود آمریکا برامون نمی‌سازه؟ مگه قرارداد ساخت رآکتور بوشهر، سال ۵۳ امضا نمی‌شه؟

قرارداد با شرکت زیمنس آلمان
برای ساخت دو رآکتور آب سبک
۱۳۰۰ مگاواتی در بوشهر - ۱۹۷۴

اطمینان دهی رئیس کمیسیون
انرژی آمریکا درباره ی انرژی
هسته ای پس از سفر
به ایران - ۱۹۷۴

توافق مقدماتی با آمریکا برای
تحويل دو نیروگاه هسته ای و
دریافت اورانیوم
غنی شده - ۱۹۷۴

قرارداد با شرکت کرافت ورک
اونیون آلمان برای خرید دو
نیروگاه آب تحت فشار ۱۲۰۰
مگاواتی برای نصب
در بوشهر - ۱۹۷۴

قرارداد با شرکت فرامانوم
فرانسه برای خرید دو نیروگاه
۹۰۰ مگاواتی برای نصب در
بندر عباس - ۱۹۷۴

قرارداد ۷/۸ میلیارد دلاری با
شرکت کرافت ورک اونیون برای
ساخت نیروگاه بوشهر - ۱۹۷۶

قرارداد دو میلیارد دلاری با
فرانسه برای ساخت دو نیروگاه
هسته ای ۹۰۰ مگاواتی در
دارخوین و اهواز - ۱۹۷۷

تلاش برای تصویب
موافقت نامه های هسته ای ایران
و آمریکا در آمریکا - ۱۹۷۸

خرید اولین رآکتور آب سبک
تحقیقاتی ۵ مگاوات از
آمریکا - ۱۹۶۷

دریافت ۵/۵۴۵ کیلوگرم اورانیوم
غنی شده و ۱۱۲ گرم پلوتونیوم
برای استفاده در رآکتور پژوهشی
از آمریکا - ۱۹۶۷

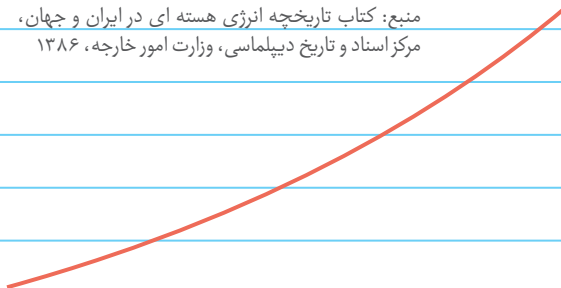
الحاق ایران به پیمان
عدم تکثیر سلاح های
هسته ای - ۱۹۶۸

تمدید قرارداد هسته ای با آمریکا
به مدت ده سال - ۱۹۶۹



سیر صعودی حمایت غرب از فن آوری هسته‌ای ایران تا پیش از انقلاب

منبع: کتاب تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان،
مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶



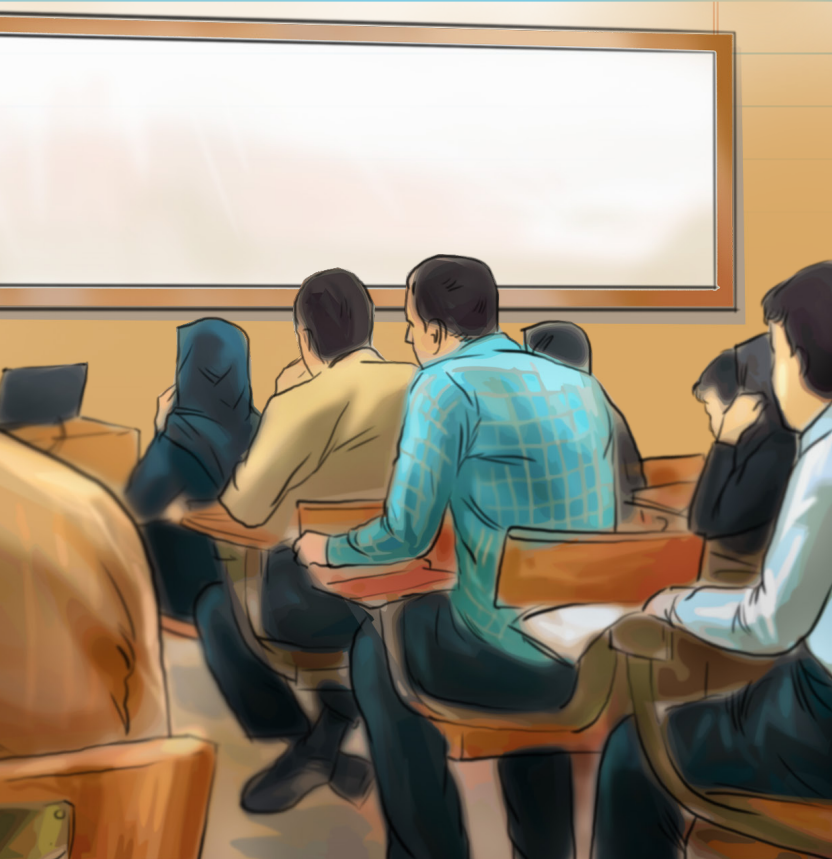
ترغیب ایران برای دستیابی
به فن آوری هسته‌ای از سوی
آمریکا

قرارداد با آمریکا برای
استفاده‌های غیرنظامی از
انرژی هسته‌ای - ۱۹۵۷

انتقال انستیتو علوم هسته‌ای
تحت نظارت پیمان سنتوا از
بغداد به تهران - ۱۹۵۷

عضویت ایران در آژانس
بین‌المللی انرژی اتمی - ۱۹۵۸

باز، صداها بلند می‌شود و جواب‌ها و اظهارنظرها با هم
قاتی می‌شوند: ... واقعا؟ ... خب شاه از خودشون بود...
اینارو مطمئنی؟ ...
یکی از صداها کمی از بقیه بلندتر است: خب معلومه.
زمان شاه، ما با کسی جنگ نداشتیم. الان رومون حساس
شدن که می‌گیم مرگ بر این، مرگ بر اون، اسرائیل باید
محو شود، آمریکا شیطان بزرگ است...
استاد با قیافه‌ی برنده‌ها رو به من می‌گوید: جوابتون رو
گرفتین؟



می‌گوییم: نه استاد. من برخلاف شما فکر نمی‌کنم که اونا
از این که ما بمب هسته‌ای بسازیم واقعا نگران باشن.
استاد با پوزخندی می‌گوید: پس لابد با ما پدرکشتگی
دارن.

ادامه می‌دهم: استاد، راستش هیچ کس تو کتش
نمیره که اینا واقعا نگران این باشن که ما با بمب
هسته‌ای بهشون حمله کنیم. ولی این که چرا این قدر
براشون مهم بود که ما این فن‌آوری رو نداشته باشیم
شاید یه جور دیگه قابل توضیح باشه. اصطلاح ژاندارم



منطقه رو که شنیدین؟ حکومت ایران اون موقع به قول خودشون ژاندارم منطقه بود. یه حکومت دیکتاتوری که بیگانه‌ها آورده بودنش سرکار؛ ازش حمایت می‌کردن و قرار بود منافع اونا رو تامین کنه. یه دفعه اوضاع عوض می‌شه. ایرانیا حکومت وابسته رو می‌ندازن بیرون و می‌گن ما استقلال می‌خوایم. بعد هم توی خیلی چیزا پیشرفتاشون تصاعدی می‌شه و ادعاهای گنده می‌کنن. کشوری که تا دیروز توی مشتشون بود، حالا مستقل شده و این جوری که داره پله‌ها رو دوتا یکی برمی‌داره می‌تونه در آینده نزدیک تبدیل بشه به یه رقیب. این برای توجیه دشمنی‌هاشون کافی نیست؟

وقتی از پیشرفت‌ها و دوتا یکی کردن پله‌ها حرف می‌زنم، نیشخندها و تیکه پراندن‌های بچه‌ها به اوج می‌رسد. یکی از بچه‌ها جوراستاد را می‌کشد: کدوم پله‌ها؟ کدوم پیشرفت؟ مثل این که توی این مملکت زندگی نمی‌کنی. مردم از گرونی و بدبختی دیگه به اینجاشون رسیده.

تاییدها در هم تنیده می‌شوند: ...آره والا.... دقیقاً... یکیش بابای من...

یکی از بچه‌ها سعی می‌کند حرف‌های دوستش را تصحیح و تکمیل کند: البته پیشرفتمون توی بعضی چیزا رو همیشه انکار کرد. بالاخره توی بعضی چیزا پیشرفت‌هایی هم داشتیم. ولی مسئله اینه که چیزایی که براشون انقلاب کردیم چی شد؟

استاد، پی حرف را با یک جمله تکراری و غلط می‌گیرد:
ببینید بچه‌ها! مشکل ما این بود که چهل سال پیش
می‌دونستیم چی نمی‌خواستیم؛ اما نمی‌دونستیم چی
می‌خواستیم... البته الآن هم همچنان نمی‌دونیم چی
می‌خواستیم. ما ایرانیا اساساً همینیم. تکلیفمون با هیچ چی
معلوم نیست. الآن هم با همه نق‌هایی که می‌زنیم هیچ
جای‌گزین جدی برای این وضعیت نداریم.

رو به استاد می‌گویم: استاد اگر اجازه بدین، من به
جمله بگم و حرفم رو تمام کنم.

با اشاره استاد به حرفم ادامه می‌دهم: ببینید بچه‌ها؛ به
اتفاقی توی کشور ما داره می‌افته که خیلی عجیبه. اون
هم نوع نگاه چرک و ناامیدکننده ما به خودمونه. من و
خانم جمالی برای یکی از پروژه‌های درسی مجبور شدیم
وضعیت ایران رو از لحاظ شاخص‌های پیشرفت مثل
خط فقر و سلامت و خیلی چیزا با شورای دنیا مقایسه
کنیم. نتایجی که از روی گزارش‌های سایت سازمان ملل
و بانک جهانی درآوردیم برای خود ما شوکه‌کننده بود.
خیلی از ما تصورمون از کشورمون اینه که جزو بیست
تا کشور آخر دنیا باید باشیم. درسته؟ در حالی که کاملاً
برعکس بود. ایران توی خیلی از شاخص‌ها بین دویست
و خرده‌ای کشور دنیا، جزو بیست تا کشور اوله.

کلاس تقریباً به دو جبهه تبدیل شده. اکثریت کلاس
کارشان تایید و پی‌گرفتن حرف‌های استاد است و چند
نفری با من همراه شده‌اند و ساز مخالف می‌زنند.



جایگاه جهانی
ایران در حوزه ی

انرژی

- رتبه ی

۲

در ذخایر گاز دنیا
- رتبه ی

۴

در ذخایر نفت دنیا
- رتبه ی

۳

در تولید گاز دنیا
- رتبه ی

۶

در تولید نفت دنیا



جایگاه جهانی
ایران در حوزه ی

دیجیتال

- رتبه ی

۱۸

کاربران اینترنت
- با ۳۹ میلیون کاربر
- شاخص فرصت های حوزه ی دیجیتال:
- رتبه ی

۱۹

آسیا

اقتصاد

جایگاه جهانی
ایران در حوزه ی



هیجدهمین اقتصاد بزرگ جهان
براساس رتبه بندی صندوق بین المللی پول

۱۸

جمعیت

جایگاه جهانی
ایران در حوزه ی



هیجدهمین کشور پرجمعیت جهان
با ۸۰ میلیون نفر جمعیت

۱۸

نرخ تولد در ایران:
۲۳ نفر به ازای هر هزار نفر

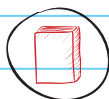


جایگاه ۱۰۵ جهان



فرهنگ

جایگاه جهانی
ایران در حوزه ی



شاخص تعداد کتاب های منتشر شده در سال:

رتبه ی **۷** جهان با بیش از ۷۲ هزار عنوان

ورزش

جایگاه جهانی
ایران در حوزه ی



براساس آخرین رده بندی فدراسیون های جهانی:

فوتبال: رتبه ی **۳۷** جهان و اول آسیا

والیبال: رتبه ی **۷** جهان و اول آسیا

بسکتبال: رتبه ی **۲۵** جهان و اول آسیا

معدن

جایگاه جهانی
ایران در حوزه ی



یکی از **۱۵** قدرت معدنی جهان

با ۶۸ ماده ی معدنی،

۳۷ هزار میلیارد تن ذخایر کشف شده

و ۵۷ هزار میلیارد تن ذخایر بالقوه

رتبه ی **۱** جهان در منابع روی

رتبه ی **۲** جهان در منابع مس

رتبه ی **۹** جهان در منابع آهن

رتبه ی **۱۰** جهان در منابع اورانیوم

رتبه ی **۱۱** جهان در منابع سرب

منبع: گزارش های مندرج در وبگاه های سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی، بنیاد هریتیج، سازمان جهانی کار، مجله ی اکونومیست، موسسه پژوهشی لگاتوم

استاد که سعی می‌کند عصبانیتش را لای نیشخندهایش پنهان کند می‌گوید: ما دسته بیلمون هم داریم از چین وارد می‌کنیم دوست عزیز. توی کدوم شاخص اول شدیم که خودمون هم خبر نداریم؟ ما رو گرفتی عزیزم؟ تنها چیزی که ما توش می‌تونیم اول بشیم آبگوشته. دنیا داره چارنعل توی همه چی میره جلو؛ ما هی هر سال باید بگیم خوش به حال پارسال. لابد توی شاخص فساد و اختلاس جزو بیست کشور اولیم. آره؟ این آمارایی که میگی آقایون خودشون هم قبول ندارن عزیز من، همه‌ش واسه رنگ کردن من و شماست.

جمع کوچکی از بچه‌ها هر جمله استاد را با خنده‌ها و تک جمله‌هایشان تایید می‌کنند؛ ولی اکثریت کلاس به فکر فرورفته‌اند و مثل تماشاگران یک بازی سرنوشت‌ساز، منتظرند جواب طرف مقابل را بشنوند.

جمالی هم بالاخره سکوتش را می‌شکند: استاد! گفتن که... آمارها مال سازمان‌های جهانی هستن.

یکی از بچه‌ها می‌گوید: اصلا قبول. ما توی همه چی پیشرفت کردیم، ولی از کجا معلوم که اگر شاه هم چهل سال فرصت داشت به همینجا نمی‌رسیدیم؟

منتظر این سوال بودم. می‌گویم: همین آمارها و نمودارها نشون میدن که نمی‌رسیدیم. بذارید مستند براتون بگم.

تبلتم را برمی‌دارم و با تمام استرسی که دارم پیدایش می‌کنم: نیکی کدی توی کتاب «ریشه‌های انقلاب

ایران» می‌گه تا سال پنجاه و پنج، ۳۶٪ خانوارهای ایرانی توی یک اتاق زندگی می‌کردن. این عدد یعنی درصد خانواده‌هایی که از اولیات مسکن مناسب محروم بودن، سال پنجاه و هفت می‌رسه به ۴۲٪. یعنی فقر سال به سال نه تنها کم نمی‌شده که داشته بیشتر هم می‌شده. یه شاهد دیگه: آبراهامیان توی کتاب معروفش «ایران بین دو انقلاب» می‌گه از نظر خدمات بیمارستانی و نسبت تخت‌های بیمارستانی به جمعیت، پایین‌ترین رتبه در غرب آسیا حتی در قیاس با ضعیف‌ترین و فاسدترین کشورهای عربی، مال ایران بوده. توی همین کتاب می‌گه در آستانه انقلاب، حدود ۷۰٪ ایرانی‌های بزرگ‌سال بی‌سواد بودن و با آماری که از انگیزه کودکان برای تحصیلات ابتدایی می‌ده نشون می‌ده که ما روز به روز داشتیم در بی‌سواد شدن بیشتر پیش می‌رفتیم. جان فوران توی کتاب «مقاومت شکننده» می‌نویسه سال ۵۱ و ۵۲ حدود ۶۴٪ از جمعیت شهرنشین ایران سوءتغذیه داشتن. هیچ افق روشنی وجود نداشت. ما روز به روز داشتیم گرسنه‌تر می‌شدیم. توی همون کتاب با آمار نشون می‌ده ما سال پنجاه و شش، یعنی یک سال مونده به انقلاب توی مرگ و میر نوزادان، یکی از رکورددارهای دنیا و رتبه اول خاورمیانه شده بودیم.

یکی از بچه‌ها بدبینانه می‌گوید: پس چرا می‌گن انقلاب از سر شکم سیری بوده؟

به این سوال هم قبلاً مفصل فکر کرده‌ام. جوابش را آماده

دارم: بله. این یه گزاره عوامانه خیلی رایجه. فکر می‌کنم این گزاره به این خاطر شکل گرفته که بچه‌مسلمونا از همون اول انقلاب، به دلیل رقابت گفتمانی که با کمونیست‌ها داشتن ریشه‌های اقتصادی انقلاب رو نفی می‌کردن. یعنی می‌گفتن که انقلاب ما ریشه‌های اقتصادی نداشته و یه اتفاق معنوی بوده. در حالی که



اتفاقا گرسنگی و فقر و بی عدالتی در انقلاب نقش جدی داشته. واسه همین من هرچی برای تحقیقم گشتم که یه کتابی، تحقیقی، چیزی که وضع افتضاحی رو که در آن زندگی می کردیم نشون بده پیدا نکردم. یعنی نوشته نشده. تمام منابعی که در این زمینه هست مثل اینایی که براتون خوندم منابع خارجی هستن که نشون میده این گزاره که انقلاب ایران از سر شکم سیری بوده چقد مضحکه. از این مضحک تر این جمله ست که شاه هم اگر چهل سال فرصت داشت همین جا بودیم. همه آمار و ارقام نشان می ده که ما هرچی به زمستان ۵۷ نزدیک تر می شدیم روز به روز حال مون داشت بدتر می شد. مثل منجلابی که هرچی بیشتر دست و پا می زدیم بیشتر توش فرو می رفتیم.

یکی دیگر از بچه ها وارد بحث می شود: ولی چرا الآن هم حال هیچ کس خوب نیست؟ چرا الآن هم همه فکر می کنیم که داریم سقوط می کنیم؟ چرا هیچ کس مزه این پیشرفت ها رو نمی چشه؟

بحث دارد به جاهای خوبی کشیده می شود. می گویم: اتفاقا سوال خوبیه. چرا ما همچین تصویری از کشورمون

داریم؟ چرا در حالی که آمارهای جهانی می‌گه وضع ما
و روند پیشرفت‌مون خیلی خوبه؛ تصویری که ما از ایران
داریم، یه تصویر چرک از یه کشور عقب افتاده و فلک زده
در حال فروپاشیه؟

... دقیقا.... همین هم هست.... خب چرا؟.... آره....
همه مون... هستیم دیگه....

استاد، جلوی کلاس قدم می‌زنه و با ترکیبی از کنجکاوی،
عصبانیت و تمسخر به جمالی نگاه می‌کند: لابد این هم
کار استکبار جهانی و یهود و انگلیسه؟
سعی می‌کنم طعنه‌اش را نادیده بگیرم و به جای جمالی
جواب بدهم: استاد من خیلی به این چرا فکر کردم.

- خوبه. به جوابی هم رسیدی یا نه؟

- رسانه. اون چیزی که داره برای ما از کشورمون، تصویر
درست می‌کنه رسانه‌ها هستن. شبکه‌های ماهواره‌ای،
شبکه‌های اجتماعی، افاضات سلبریتی‌ها، حتی بعضی
از روزنامه‌ها و سایت‌های داخلی. این رسانه‌ها یه گرد و
غباری توی فضای عمومی ما راه انداخته‌ن که تصویر
روشن و شفاف کشورمون و وضعیتی رو که توش هستیم
نبینیم. فقط وقتی که سرتو کمی بالاتر بیاری و از بالای
این ابر رسانه‌ای، با مراجعه به آمار و ارقام و داده‌های
درست، واقعیت رو ببینی می‌فهمی که چه خبره. اتفاقی
که برای من با این تحقیقی که کردم افتاد.

یکی از دخترها که فکر می‌کند من نماینده نظام و دولت
و قوه قضاییه و گشت ارشادم با خشم عجیبی بلند می‌شود

و صدایش را برای من بالا می برد: خب خدارو شکر. پس همه چی افتاد گردن رسانه ها. انگار فقط ما رسانه داریم، جاهای دیگه دنیا خبری از این چیزا نیست. الان اگر اتفاقی هم داره می افته و ملت از چیزایی خبردار میشن به لطف همین رسانه هاست. الان دیگه دوره ای نیست که بشه چیزی رو از مردم مخفی کرد.

می بینم که حرفم درست فهمیده نمی شود. باید یک مثال عینی بزنم: ببینید بچه ها! من که با شما بحثی نداشتم. استاد بحث رو شروع کردن. من هم احساس کردم چیزایی می دونم که باید اینجا بگم. اجازه بدین من یه مقایسه بکنم تا حرفم بهتر درک بشه. یکی از بچه های کلاس (با دست، به خانم خضرائی اشاره می کنم) عرب عراقی هستن که چند سالیه اومدن ایران. خانم خضرائی! من یه سوال ازتون می خوام بپرسم. همه کلاس به سمت خانم خضرائی برمی گردند. - بفرمایید.

- شما توی عراق چند تا شبکه عرب زبان دارید که با پول کشورهای بیگانه براتون برنامه پخش کنن؟ مثل «بی بی سی فارسی» و «فارسی وان» و «من و تو» و این طور چیزا؟ اصلا دارید؟

- فکر می کنم یه چندتایی هست. شاید ده یازده تا. بیشتر شبکه های عرب زبان، شبکه های رسمی و دولتی. - اون وقت تا حالا دیدین که یکی از همین ده یازده تا شبکه بیگانه علیه دولت عراق مثلا تبلیغ کنن؟ یعنی

به مردم بگن پاشین با دولتتون بجنگین یا از این جور
حرف‌ها؟

خانم خضرای خنده‌اش گرفته: نه. من تا حالا ندیدم.
- در مورد بقیه کشورهای عرب چی؟ مثلاً یه شبکه‌ای
که مردم کویت، امارات، عربستان یا یه کشور عرب‌زبان
دیگه رو تشویق کنه به شورش. یا خط رسانه‌ایشون این
باشه که: وای! شما چه قدر بدبختید؛ شما چه قدر عقبید؛
چه قدر آزادی ندارید و از این حرف‌ها؟
- اون هم ندیدم.

- پس ده یازده تا شبکه بیگانه که تازه خیلی هم حرف
صریح سیاسی نمی‌زنن برای ۳۵۰ میلیون نفر عرب‌زبان.
ولی می‌دونین ما چند تا شبکه فارسی‌زبان داریم که
کشورهای بیگانه پولش رو میدن؟

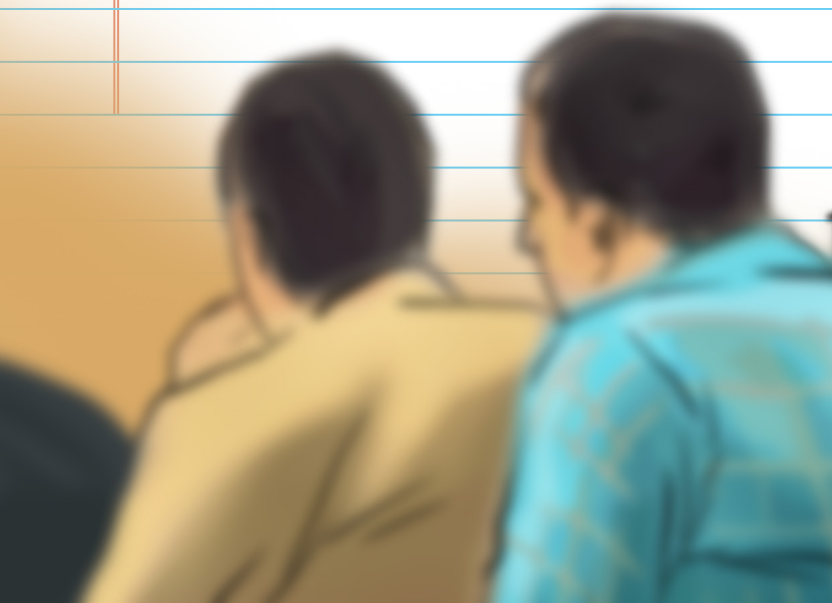


... بیست تا؟ ... پنجاه تا؟ ... صد تا؟

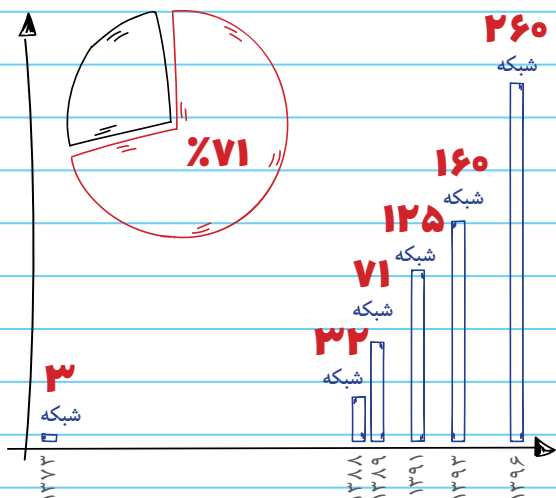
- بیشتر از دویست تا شبکه برای هشتاد میلیون آدم.
چرا آخه؟ دلشون برای ما سوخته؟ فقط حدود صد تا از
این شبکه‌ها با حمایت سعودی‌ها پخش می‌شن.

آقای ابراهیمی هم بالاخره سکوتش را با یک تیکه
به موقع می‌شکند: گاو شیرده آمریکا
یکی دیگر از پسرها هم ادامه می‌دهد: هر هزینه‌ای
می‌کنه به حساب آمریکاییا فاکتور می‌زنه.

ادامه می‌دهم: بخش عمده این دویست تا شبکه،
بیست و چهار ساعته دارن مردم رو تشویق به نافرمانی
مدنی و شورش می‌کنن و احساس عدم رضایت و
فلک‌زدگی رو پمپاژ می‌کنن توی ذهن مردم و از طرف
دیگه، یه بهشت گل و بلبل از همه جای دنیا غیر از ایران
توی ذهنای ما می‌سازن. فضای مجازی و رسانه‌های
دیگه هم به همین ترتیب. من دیگه شکی ندارم که ما



۷۱٪ مردم ماهواره می بینند

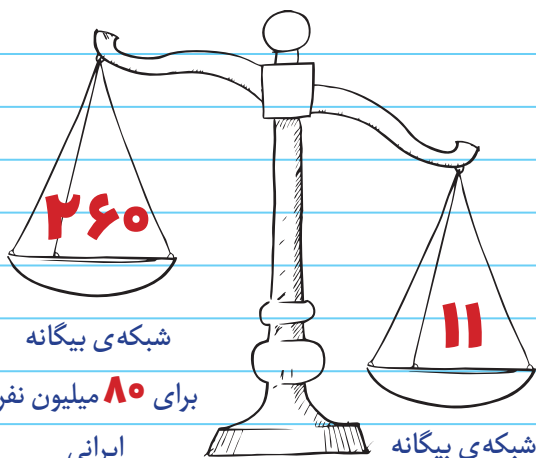


رشد شبکه های فارسی زبان ماهواره ای

وسط یه جنگ رسانه ای جدی و پر حجم هستیم.

یکی دیگر از بچه ها فکرش را به زبان می آورد: چرا بی بی سی به زبان چینی و هندی شبکه نداره؟ چین و هند با هم بیشتر از سه میلیارد جمعیت دارن.

کلاس چند لحظه ای درسکوت فرو می رود. استاد سعی می کند با لحن همیشگی اش قضیه را جمع کند: اکی. پس مرگ بر آمریکا. ما همه تحت تاثیر رسانه های دشمنیم غیر از شما. خسته نمی شید این قدر دشمن دشمن می کنید؟ یه جوری از جنگ نرم و جنگ رسانه ای و دشمن بدجنس



۱۳۸ شبکه‌ی فارسی زبان
با حمایت مالی عربستان سعودی

۳۶۰ میلیون نفر
عرب زبان

منبع: گزارش‌های مندرج در وبگاه اتحادیه رسانه‌های کشورهای عربی، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما و خبرگزاری‌های داخلی

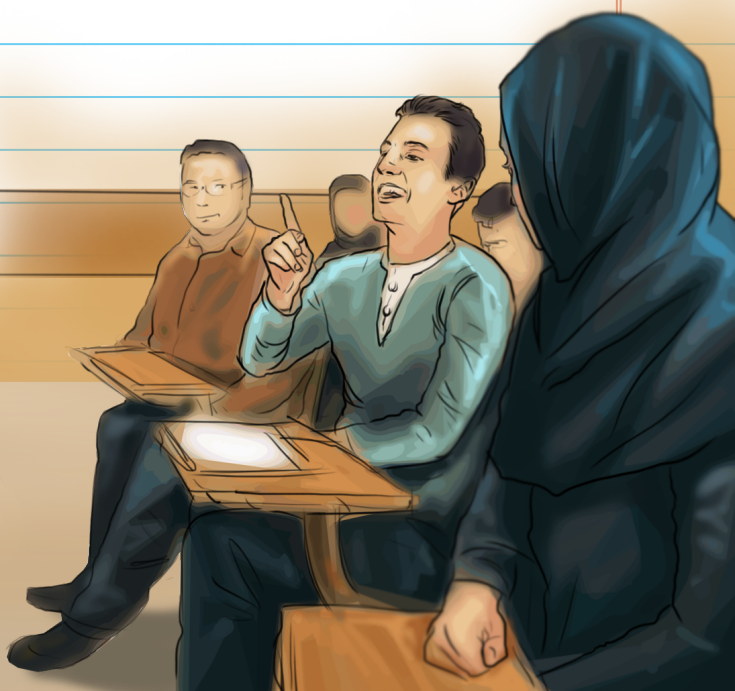
حرف میزنن که آدم مو به تنش سیخ می‌شه. اساس ذهنیت شما جهان‌سومی‌ها پر شده از توهم توطئه. هر جایی که نمی‌تونید موضوع رو تحلیل کنید یا نمی‌خواید قبول کنید که مشکل از خودتون بوده توپ رو می‌ندازید تو میدان عوامل و دست‌های پشت پرده و پنهان، غرب، فراماسون‌ها... توهم توطئه.

- استاد! وقتی دشمن هست و دشمنی‌هاش رو داریم می‌بینیم، خودمون رو بزنی‌م به اون راه، بگیم دشمنی نیست؟

باز یکی دیگر از بچه‌ها جور استاد را می‌کشد: تقصیر خودمونه که سر به سر آمریکا گذاشتیم. آمریکا بزرگ‌ترین قدرت دنیاست. انتظار داریم بشینه نگامون کنه؟

- ببخشید، ما سر به سر آمریکا گذاشتیم یا اون سر به سر ما؟ نکنه ما ۲۸ مرداد توی آمریکا کودتا کردیم و دولتشون رو ساقط کردیم. کودتای نوژه چی؟ توی آمریکا بوده یا ایران؟ سال ۶۶ ما با ناوهامون از این سر دنیا به اون سر دنیا لشکر کشیدیم و کشتی‌های غیرنظامی اونا رو هدف گرفتیم؟ حمله به ایرباس چی؟ تحریم‌های فلج‌کننده هم که لابد کار ایران علیه مردم مظلوم آمریکا بوده.

هرچه می‌گذرد بحث کلاس، آرام‌تر و جدی‌تر می‌شود. بچه‌هایی که اول کلاس در مقابل من بودند یا ساکت‌اند و با کنجکاوی، بحث را دنبال می‌کنند و یا با اطمینان



کم‌تری از استاد طرفداری می‌کنند.

یکی از بچه‌ها بلند می‌شود و می‌گوید: البته من با نظر استاد موافقم. اصلاً آمریکا بد، آمریکا دشمن. ما چرا وقتی می‌بینیم این قدر قدرت داره چرا باهاش رودرو می‌شیم؟ بهش می‌ارزه که این قدر بدبختی بکشیم؟ که چی بشه؟





۱۵ خاطره‌ی ایرانی‌ها از دشمنی‌های آمریکا

سال ۱۳۳۲

اجرای کودتای ۲۸ مرداد و
ساقط کردن دولت مصدق



سال ۱۳۳۲

بازگرداندن شاه و حمایت
۳۲۰ میلیون دلاری از او



سال ۱۳۴۳

تحمیل قانون کاپیتولاسیون
به مردم ایران



سال ۱۳۵۶

تلاش بی‌وقفه‌ی کارتر برای
حفظ دیکتاتوری پهلوی



سال ۱۳۵۷

اعلام حمایت از پهلوی پس از
جنایت ۱۷ شهریور



سال ۱۳۵۹

حمله‌ی نظامی به طبرس



سال ۱۳۵۹

طراحی کودتای نوژه



سال ۱۳۵۹ (تا امروز)
 حصر اقتصادی با اعمال
 تحریم‌های گسترده



سال ۱۳۵۹
 تحریک صدام به آغاز جنگ
 و حمایت هشت ساله از او



سال ۱۳۶۰ (تا امروز)
 هدایت و پشتیبانی گروه‌های
 ضدانقلاب و برانداز



سال ۱۳۶۰ (تا امروز)
 طرح ادعاهای بی اساس
 علیه ایران



سال ۱۳۶۶
 ورود مستقیم به جنگ
 ایران و عراق در خلیج فارس



سال ۱۳۶۷
 حمله به ایرباس ایرانی با
 ۲۹۰ سرنشین



سال ۱۳۷۸ (تا امروز)
 اشاعه‌ی تروریسم برای
 فروپاشی ایران



سال ۱۳۹۱
 حمایت از امارات در ادعای
 مالکیت بر جزایر سه‌گانه



یکی دیگر از بچه‌ها جوابش را می‌دهد: ببخشید، ولی من فکر می‌کنم باشرف زندگی کردن و استقلال داشتن، ارزشش رو داره. مگه ما چی مون از اونا کمتره که آقای دنیا نباشیم؟ مگه اونا خودشون دویست سال پیش چی بودن؟ مگه روی پیشونی ما نوشتن که ما و نسلای بعدمون باید تا ابد آدم درجه دو باشیم؟ جهان سوم باشیم؟ آقای معینی هم زبانش باز می‌شود و می‌اید توی بحث: تازه مگه اونا که مقابل آمریکا تسلیم شدن الان خیلی وضعشون خوبه؟ دوس داریم عربستان باشیم؟ یا مصر باشیم؟

استاد می‌گوید: پس نه. خوبه کره شمالی باشیم. همه می‌خندند. می‌گوییم: اتفاقاً همین کره شمالی که توی ذهن همه یک کشور عجیب و غریب بسته و استثنایی ازش ساخته‌ن، مصداق خوبی برای همون حرفیه که اول زدم: جنگ رسانه‌ای. یکی از آشنای ما به خاطر موقعیت کاریش چند وقت پیش رفته کره شمالی. بیاین صفحه اینستاگرامش رو ببینین که واقعیت کره شمالی رو چه جور داره نشون می‌ده.



اصلاً تناسبی با چیزی که توی ذهن ماها هست نداره.
تقریباً همه ما فکر می‌کنیم رهبر کره شمالی، یه دیکتاتور
دیوانه و خطرناکه که مردمش رو شست‌وشوی مغزی
داده، حقوق بشر رو نقض می‌کنه، دشمن دموکراسیه،...
... یعنی نیست؟ ... اینا که دارن با آمریکا به توافق
می‌رسن؟...

- من نمی‌گم که کره شمالی الان گل و بلبله و مهد
دموکراسی و رفاهه. ولی آش به این شوری هم که
رسانه‌ها می‌گن نیست. حالا بذارین با آمریکا به توافق
برسن و بچه خوبی بشن. اون وقته که همین رسانه‌ها،
از همین کره شمالی یه بهشت تمام‌عیار بسازن. از اون
طرف، یه دیکتاتوری عجیب و غریب توی دنیا هست
که اتفاقاً همین بیخ گوش ماست و هیچ کدوممون
کوچک‌ترین اطلاعی ازش نداریم.

... عربستان سعودی؟ ... پاکستان؟ ... امارات؟ ...

- ترکمنستان. یکی از عجیب‌ترین

دیکتاتوری‌های دنیا که بیخ

گوش ماست و چون

مشکلی با آمریکا



مرور سریع تحریم‌های

۱۳۷۴



۱۳۸۱



۱۳۸۶



۱۳۹۰

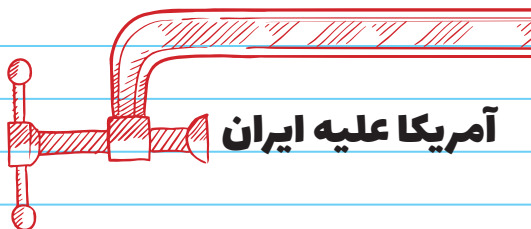


۱۳۹۳



۱۳۹۷





آمریکا علیه ایران

تحریم اقتصادی شامل روابط تجاری و سرمایه‌گذاری
در نفت و گاز ایران

آغاز چالش هسته‌ای، تحریم علمی و دانشگاهی ایران

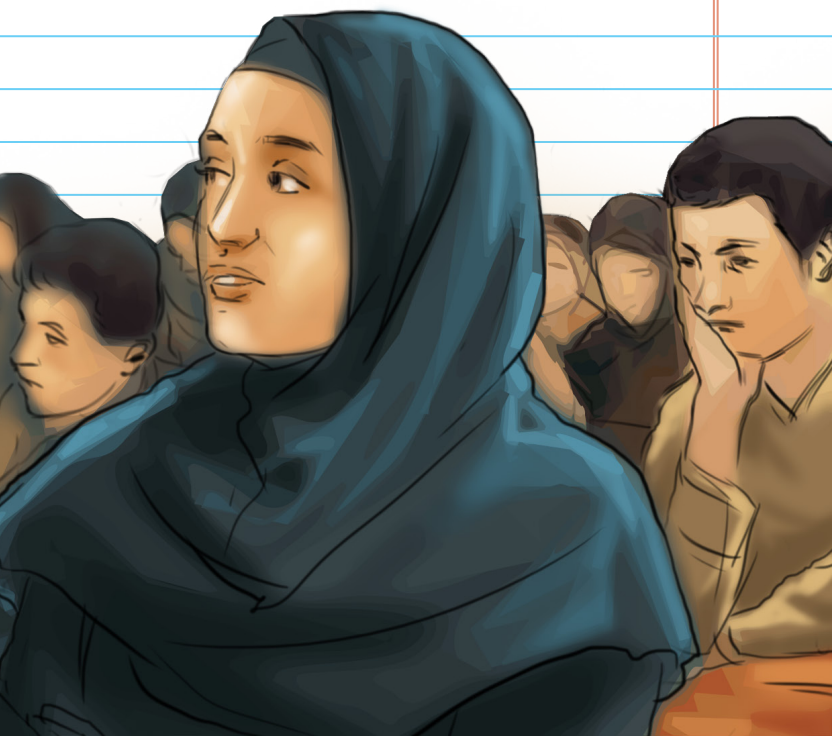
ارجاع پرونده‌ی ایران به آژانس انرژی اتمی، تحریم
وزارت دفاع، سپاه، بانک‌ها و صنایع ایران

تحریم صادرات نفت و بانک مرکزی ایران

تصویب برجام، برداشتن چهار مورد از تحریم‌ها به‌ازای
تعطیلی صنعت هسته‌ای ایران

خروج آمریکا از برجام، بازگشت تحریم‌ها و وضع
تحریم‌های جدید علیه ایران

نداره و باجشون رو می‌ده، جریان رسانه‌ای مسلط بر دنیا کاری به کارش نداره. رئیس‌جمهور ترکمنستان اون قدر عجیب و خنده‌داره که فکرش رو نمی‌کنید. اونجا مسابقه اسب‌سواری که می‌ذارن، رئیس‌جمهور هم توش شرکت می‌کنه و حتما هم باید اول بشه. اگر هم از اسب بیفته؛ دوربین‌ها و گوشی‌ها مصادره می‌شه که عکسش جایی درز نکنه. انتخاباتی که توش ایشون رئیس‌جمهور شده فقط یه کاندیدا داشته؛ یعنی خودش. میزان رایش هم ۹۹٫۹٪ بوده. از وقتی هم که قدرت دستش افتاده اسم ماه‌ها و روزهای هفته رو توی کشورش تغییر داده. یه کتاب هم نوشته به نام کتاب راهنما که توی مدرسه‌هاشون تدریس می‌شه. حتی اگر



کسی بخواد گواهی‌نامهٔ رانندگی بگیره باید به سوالایی که از این کتاب طرح می‌شه جواب بده. ایشون با این که کمونیسته ادعا می‌کنه با خدا معامله کرده که هر کس سه بار این کتاب رو بخونه می‌ره بهشت. به مسجدها هم ابلاغ شده که کتاب راهنما رو بذارن توی قفسه‌ها کنار قرآن.

صدای هرهر و کرکر و تعجب بچه‌ها از همه طرف بلند شده. استاد از شنیدن خسته شده و سعی می‌کند فضا را در دست بگیرد و خودش جمع‌بندی کند: خب، قدرت رسانه رو خیلی خوب توضیح دادی. درسته. ولی شماها خیلی زرنگین. چهل سال از این اتفاقی که توی تاریخ ما افتاد می‌گذره، کدوم یکی از هدف‌هایی که دنبالش بودیم بهش رسیدیم؟ می‌خوانین همه چی رو بندازین گردن فضای رسانه‌ای و از زیر سوتی‌های آقایون توی این چهل سال شونه خالی کنین. رسانه‌ها از هیچی که



نمی‌تونن یه چیزی خلق کنن. باید یه چیزی باشه بالاخره. نمونه‌ش همین کلیپ نماینده فحاشتون که فکر می‌کنه خداست. این انقلاب قرار بود به اینجا برسه؟ اینا که دیگه سیاه‌نمایی نیست. خود سیاهیه.

- ببخشید استاد، اولاً که رسیدن کامل به اون هدف‌ها یه فرایند طولانی و دشواره که خیلی بیشتر از اینا زمان می‌خاد. ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی، مرحله بعد تشکیل جامعه اسلامی و بعد از اون تشکیل تمدن بین الملل اسلامی.

مهراره هم که تا حالا فقط می‌خندید و پارازیت می‌انداخت وارد بحث می‌شود: در مورد اون کلیپ هم من فکر می‌کنم که همه ما داریم فقط نیمه خالی لیوان رو می‌بینیم. هیچ کس نیمه پرش رو نمی‌بیند. یعنی همین رسانه‌ها نمی‌ذارن که ببینیم. به نظر من این صحنه، واقعا صحنه باشکوهیه.

همه می‌خندند. استاد از همه بیشتر و عصبی‌تر. حرف‌های مهراره برای من هم عجیب است. فکر نمی‌کردم پشت این ظاهر غلط‌اندازش همچین نگاهی به قضیه داشته باشد.

ادامه می‌دهد: یه کارمند عادی، مقابل نمایندهٔ مجلس می‌ایسته و بهش «نه» می‌گه. این یعنی رعیت چهل سال پیش تبدیل شده به شهروندی که سرش رو مقابل قدرتمندا کج نمی‌کنه. چهل سال پیش کسی جرات داشت حتی توی تخیلاتش هم تصور کنه که یه نمایندهٔ مجلس به کارمند یه اداره دستوری بده و اون کارمند بتونه بهش بگه من از شما دستور نمی‌گیرم؟

دوباره همهٔ کلاس سکوت می‌شود. استاد دیگر صبرش تمام شده: خیلی خب... محصول جمهوری اسلامی هستید دیگه.... این جلسه هم که گذشت. جلسهٔ بعد، دیگه درس رو شروع می‌کنیم.

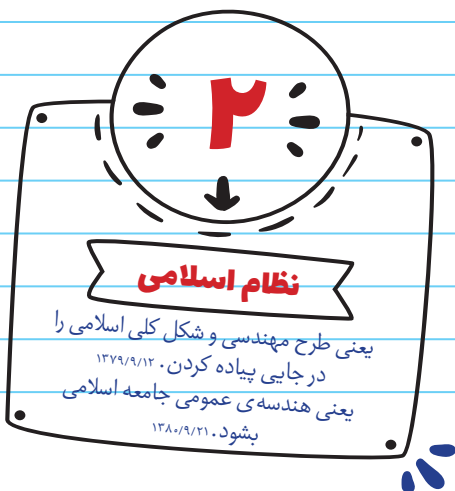
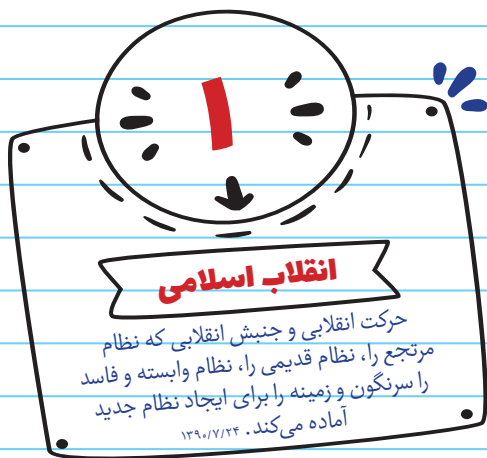
وسایلم را جمع می‌کنم و بدون توجه به همهٔ بچه‌ها از کلاس خارج می‌شوم. باید برای جلسهٔ بعد آمارهایم را تکمیل کنم و با دست پر به کلاس بیایم. شاید بشود از استاد وقت بگیرم و یک ارائهٔ ده دقیقه‌ای از تحقیقی که کرده‌ام داشته باشم.

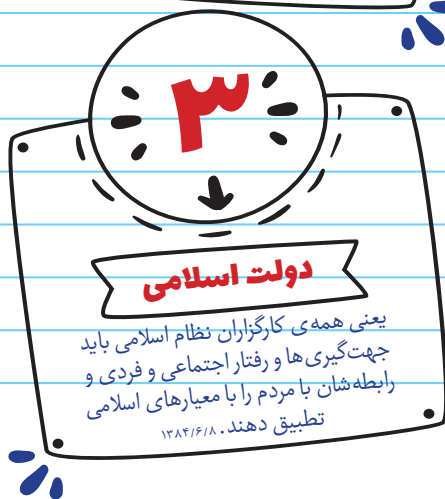




مراحل پنج گانه تحقق اهداف انقلاب

برگرفته از سخنان آیت الله خامنه ای





مسابقه فرهنگی داستان یک مناظره

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است
* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقه فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به صورت یک عدد دورقمی از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود به سامانه پیامکی ۰۲۲۲۲۸۰۰۳ ارسال کنید.

مثال: داستان یک مناظره ۲۱ احسان رضوی

۲. فیلم‌برداری از خودتان در حال معرفی یا خوانش بخشی از متن کتاب: فیلم‌های خود را با زمان حداکثر ۱۰ ثانیه و فرمت mp4، به این نشانی بفرستید:

haram.razavi.ir



* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

پرسش‌ها

پرسش اول: در تحقق اهداف پنج‌گانه انقلاب اسلامی، کدام گزینه بر مرحله ایجاد دولت اسلامی تقدم دارد؟

۱. ایجاد تمدن اسلامی

۲. ایجاد نظام اسلامی

۳. ایجاد جامعه اسلامی

۴. هیچ کدام

پرسش دوم: براساس متن، علت بدبینی و نادیده گرفتن پیشرفت‌های عظیم جمهوری اسلامی توسط برخی از مردم جامعه چیست؟

۱. چشمگیر نبودن پیشرفت‌های کشور در عرصه‌های مختلف

۲. تبلیغات رسانه‌ای منفی بسیار زیاد دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی

۳. زیاد بودن سرعت پیشرفت در سایر کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران

۴. تحریم‌های اقتصادی دشمن علیه نظام

پورتال فرهنگی - تبلیغی حرم مطهر امام رضا (ع)

- صفحه اصلی پایگاه مجازی حرم مطهر رضوی:

haram.razavi.ir

- پخش زنده مراسم و اماکن حرم مطهر رضوی:

tv.razavi.ir

- دسترسی به آرشیو محصولات فرهنگی حرم مطهر رضوی:

archive.razavi.ir

کانال ها و صفحات شبکه های اجتماعی

❖ وقت سلام؛

❖ حال و هوای حرم؛

❖ ثبت درخواست زیارت نیابتی؛

❖ اعلام برنامه های حرم مطهر رضوی؛

❖ ارائه مطالب ویژه دختران و پسران ۱۲ تا ۱۸ سال؛

❖ نشر معارف رضوی به زبان های عربی، انگلیسی، اردو،

فرانسه و ...؛

❖ انتشار تولیدات فرهنگی حرم مطهر رضوی اعم از فیلم و

صوت مراسم حرم مطهر رضوی.

می توانید به این شبکه ها از مسیرهای ذیل دسترسی

داشته باشید:

- شبکه های فارسی: tvapp.razavi.ir/razavi_aqr_ir

- شبکه های اجتماعی بین الملل:

tvapp.razavi.ir/razavi_int

- ربات چندزبانه حرم مطهر رضوی در شبکه های

اجتماعی شامل بخش های پاسخگویی به سؤالات دینی،

زیارت نیابتی و ارتباط با حرم: [@haramrazavi_bot](https://t.me/haramrazavi_bot)